

## گزارش گرامیداشت سی و پنجمین سالروز تأسیس نهضت آزادی ایران

(۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۴)

دوشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه مصادف بود با سی و پنجمین سالروز تأسیس نهضت آزادی ایران به همین مناسبت مراسمی به شرح زیر برگزار شد:

۱- روز دوشنبه ۷۴/۲/۲۵ از ساعت ۵ تا ۸ بعدازظهر نشستی با حضور اعضای نهضت آزادی ایران برگزار شد. پس از قرائت آیاتی از قرآن کریم و فاتحهای برای کلیه رفتگان نهضت، مرحومان، مهندس بازرگان، آیتالله طالقانی، رحیم عطایی، عباس رادنیای، دکتر چمران و دکتر شریعتی، و طلب مغفرت برای آنان، آقای دکتر یزدی، دبیر کل نهضت، طی بیانات مبسوطی ریشه‌های تاریخی ضرورت تشکیل یک حزب ملی، سیاسی - اسلامی را مورد بررسی قرار دادند.

۲- روز جمعه ۲۹ اردیبهشت‌ماه، اعضا و علاقه‌مندان نهضت، بطور جمعی در بهشت زهرا بر مزار شادروان آیتالله طالقانی و سردار شهید دکتر چمران حضور پیدا کردند و با قرائت فاتحهای از خداوند برای آنان و همه شهدای راه آزادی و آبادی ایران عزیز و سربلندی اسلام غریب، طلب مغفرت و ارتقای درجه در پیشگاهش نمودند.

سپس کلیه حاضرین به طرف قم حرکت و بر مزار زنده‌یاد، فقید سعید مهندس مهدی بازرگان، اجتماع نمودند. در این مراسم بعد از قرائت آیاتی از سوره حشر، آقای دکتر یدالله سبحانی، هم‌رزم و دوست دیرین زنده‌یاد مهندس بازرگان با بیانات خود یاد آن بزرگوار را گرامی داشته و خدمات نهضت را برشمردند. پس از آن نیز، آقای دکتر غلامعباس توسلی، ویژگی‌های نهضت را شرح دادند. (خلاصه سخنان آنها در پیوسته آمده است).

روابط عمومی نهضت آزادی ایران

۱۳ خرداد ۱۳۷۴

## ریشه‌های تاریخی تشکیل نهضت آزادی ایران و ضرورت ادامه نهضت

### دکتر ابراهیم یزدی

بسم الله الرحمن الرحيم. با سلام و درود بر رسول گرامی خدا (ص) و یاران و اصحابش، با قرائت فاتحه‌ای یاد همه یاران عزیز از دست رفته را گرامی می‌داریم.

نهضت آزادی ایران در ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۴۰ با صدور اعلامیه‌ای به امضای آقایان مهندس مهدی بازرگان، دکتر یدالله سبحانی، آیت‌الله طالقانی، رحیم عطایی، مهندس عطایی و حسن نزیه فعالیت خود را رسماً آغاز نمود. تأسیس نهضت آزادی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بود.

در سیر تحول افکار و اندیشه‌های سیاسی - فرهنگی، هنگامی که یک جریان مشخص فکری با یک هویت و جهت‌گیری دو جانبه بروز و ظهور می‌کند، تشکیل سازمان‌های ویژه‌ای که معرف آن باشند، اجتناب‌ناپذیر است.

سازمانهای سیاسی هنگامی پایدار می‌مانند که معرف جریانهای فکری - سیاسی عینی زنده و فعال در جامعه باشند. اگر حزب و سازمانی به‌وجود بیاید ولی نماینده جریان فکری - سیاسی عینی در جامعه نباشد، یا بیانگر یک جریان فکری میرا باشد، قابل دوام نخواهد بود، دیر یا زود از بین خواهد رفت.

برعکس، اگر سازمانی مبلغ یک جریان فکری - سیاسی باشد، ولو آن را منحل کنند، یا خاموش سازند، از آنجا که فکر و اندیشه را نمی‌توانند از بین ببرند، همان سازمان مجدداً زنده خواهد شد. یا سازمان دیگری با همان مشخصات، به‌وجود خواهد آمد و رسالت معرفی آن جریان فکری را به عهده خواهد گرفت. گاهی اوقات هم ممکن است یک تشکل فکری - سیاسی به‌وجود بیاید، و براساس شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ضرورت تحول در اندیشه‌ها، پیشگام تغییرات در بافت فکری مردم بشود، چنین سازمانی به حیات خود ادامه می‌دهد و اگر شرایط سیاسی، نظیر اختناق، استبداد و سرکوب هم آن را از بین ببرد، سازمان دیگری، تشکیل می‌گردد.

نهضت آزادی ایران، معرف یک جریان فکری - سیاسی حاضر در متن جامعه ماست، به همین دلیل تأسیس آن یک ضرورت بوده است و ادامه حیاتش، علیرغم سرکوب‌های مستمر و مکرر در طی ۳۴ سال گذشته، نشانه‌ای از زنده بودن آن جریان فکری است که نهضت آزادی معرف آن می‌باشد.

حال ببینیم نهضت آزادی معرف چه جریان فکری می‌باشد؟

مقدمتاً باید توجه کرد که بعد از شهریور سال ۱۲۲۰، و فروپاشی استبداد سلطنتی رضا شاه پهلوی، سه جریان عمده فکری و سیاسی در جامعه ایرانی ما ظهور و بروز خارجی فعال پیدا کرده‌اند، که عبارتند از:

جریان کمونیستی یا مارکسیستی، جریان ملی و جریان اسلامی، که هر یک به ترتیب وارد صحنه سیاسی اجتماعی ایران شدند و هرکدام به تناسب سازمانهای سیاسی خاص خود را پیدا کردند و هر یک از این سازمانها، در تقابل فکر و اندیشه - با عمل سیاسی و شرایط عینی خارجی دچار تغییرات، تحولات

شدند و هرکدام سرنوشت خاصی را پیدا کردند.

البته نمی‌توان گفت که منشأ این جریانها، سال ۱۳۲۰ بوده است. هر یک از آنها ریشه در تاریخ گذشته میهنمان حداقل از زمان شورش تنباکو و انقلاب مشروطیت، داشته‌اند.

اما دوره ۲۰ ساله استبداد رضا شاه پهلوی، سیر تحول و توسعه‌ی این جریان‌های فکری را دچار رکود و وقفه نمود. اما از شهریور ۱۳۲۰ به بعد است که این جریانها فرصت رشد پیدا می‌کنند و سازمانهای معرف هرکدام، به تدریج بروز و ظهور می‌نمایند. و به همین دلیل، شهریور ۱۳۲۰ نقطه عطف تعیین‌کننده برای این جریانها محسوب می‌شود.

این سه جریان فکری، و سازمانهای مربوط و معرف هرکدام، اگرچه دارای مشخصات ویژه‌ای بودند، اما اولاً با جامعه در کل و ثانیاً هریک به نوعی با هم همکنشی داشته‌اند و در کنار هرکدام، افکار و اندیشه‌هایی که خط فاصل میان این جریانات باشد به‌وجود آمده است.

مثلاً در جریان جنبش مارکسیستی در ایران، که براساس باورهای ایدئولوژیک، معرف و مدافع کامل منافع اتحاد جماهیر شوروی سابق بود و متقابلاً از حمایت کامل آن کشور برخوردار بود. اما در فرآیند عمل عینی در جنبش تضادهای شدیدی میان منافع ملی ایران و منافع اتحاد جماهیر شوروی بروز نمود. و این تضاد و تقابل بر کل جنبش اثر گذاشت. بطوری که در سیر تحول جنبش مارکسیستی در ایران، شاهد پیدایش اندیشه‌ها و سازمانهایی، اگرچه مارکسیستی اما متعهد به منافع و مصالح ملی، یعنی بدون تعهد به شوروی، می‌باشیم.

در جنبش ملی نیز با تغییراتی مشابه روبرو هستیم. جنبش ملی، در آن مقطع تاریخی با تکیه عمده بر اولویت اصالت دادن به منافع ملی ایران در برابر جریانها و جنبش‌های متمایل و یا وابسته به قدرتهای خارجی، معروف به آنگوفیل، روسوفیل یا ژرمنوفیل به‌وجود آمد و شکل گرفت. بسیاری از جریانات فعالی سیاسی آن زمان، بر این باور تکیه و آن را تبلیغ می‌کردند که جهان قطبی شده است، یک کشور دنیای سومی، نظیر ایران بدون اتکا به یک قدرت خارجی (مثلاً روسیه)، نمی‌تواند با سلطه بیگانه (مثلاً انگلیس) مبارزه کند.

جریان جنبش ملی، در واقع تلاش در بطلان این اندیشه سیاسی بود و برگشت و تکیه بر قدرت نیرومند و لایزال ملت در مبارزه با سلطه استیلای خارجی.

اولویت در این جریان، در آن مقطع و مرحله، مبارزه با سلطه بیگانه و استیفای حقوق ملت بود. مسائل دیگر، از جمله همکنشی با فرهنگی ملی، که اسلام بخش تفکیک‌ناپذیر آن می‌باشد، اهمیت ثانوی داشت. اما به تدریج که مبارزه ملی رشد و توسعه پیدا کرد و عمیق‌تر شد و قشرهای گسترده‌ای از مردم به صفوف مبارزه ملی کشانیده شدند، خواه و ناخواه تحولات تازه‌ای در درون جنبش ملی بروز کرد. اما برخی از گروهها و جریانات ملی بر اندیشه جدایی دین از سیاست وفادار باقی ماندند، و برخی بر مواضع ضد دینی گذشته باقی ماندند. اما گروهها و جریاناتی نیز رشد کردند که با انگیزه مذهبی به مبارزه سیاسی روی آورده بودند، و برخوردار از هویت دوگانه ملی - اسلامی بودند. این تحولات خواه و ناخواه بر تشکل‌ها و ساختارهای سیاسی درون جنبش ملی اثر می‌گذاشت.

از طرف دیگر جریانهای درون جنبش اسلامی نیز دچار تحول بود. در این جنبش دو جریان اصلی و عمده وجود داشت. یکی جریان اسلامی به اصطلاح حوزه‌ای متعلق به اسلام‌گرایان سنتی و دیگری جریان اسلامی نوگرا یا جریان اسلامی روشنفکران.

در دوران شورش تنباکو و مبارزات ضد استیلای خارجی و سپس انقلاب مشروطیت علیه استبداد داخلی، نه تنها جریان‌های ملی و اسلامی کاملاً به هم آمیخته بود، بلکه مرزبندی مشخص میان جریان‌های اسلامی وجود نداشت. همه مسلمان بودند و به تعبیری یک نوع اسلام هم بیشتر مطرح نبود. اگر هم بود، در میان قشر خاصی بود. اما بعد از شهریور ۱۳۲۰ به تدریج و آرام آرام دو جریان اصلی در جنبش اسلامی شکل گرفت.

در دوران ۲۰ ساله استبداد رضاشاه، و سلطه کامل غرب در ایران، گرایش‌های جدید و کاملاً متضادی در رابطه با فرهنگ، ارزش‌ها و علوم غربی به وجود آمد.

یک جریان، سنت‌گرایان، تجدید و تمدن را مترادف با بی‌دینی، کفر و الحاد گرفتند و تمام مظاهر آن را نیز نجس دانستند. مدارس جدید، علوم جدید، نظیر فیزیک و شیمی و غیره را خلاف شرع انور اعلام کردند و مردم را از اعزام نوباوگان و جوانان به مدارس جدید منع می‌کردند. در طرف مقابل هم، گروهی و نسلی به وجود آمده بود که راه نجات را در غربی شدن همه چیز، از فرق سر تا ناخن پا، می‌دانست. و دین و تمامی مظاهر آن را، متعفن، فنانیک، ارتجاعی، کهنه و پوسیده می‌دید و آنها را ضد تمدن و ضد تجدید تبلیغ می‌کرد و رهایی از اعتقادات و قیود دینی را نتیجه اجتناب‌ناپذیر آشنایی با علوم جدید می‌دانست و تبلیغ می‌کرد. اما در فرآیند عمل، و توسعه‌ی شبکه‌های مدارس جدید، و به عنوان محصول همکنشی مردم - و از جمله دینداران - با علوم جدید، نسل تازه‌ای از دینداران و عالمان علم جدید شکل گرفت، که مواضع هر دو گروه یاد شده در بالا را نفی می‌کرد و در عمل، نه در نظریه، نشان داد که می‌توان به بالاترین مدارج علمی دست یافت بدون آنکه اعتقادات دینی را از دست داد. می‌توان به پیشرفته‌ترین مراکز علمی جهان، در غرب رفت، و مسلمان‌تر برگشت. پیدایش این گروه از روشنفکران مسلمان با مسلمانان روشنفکر، آرام آرام اسطوره‌های قبلی را باطل ساخت.

حضور و رشد همین جریان روشنفکری - اسلامی در جنبش ملی از یکطرف، و جنبش اسلامی از طرف دیگر موجب تحولات درونی در هر دو جنبش گردید و در جنبش اسلامی نیز دو جریان مشخص فکری سنت‌گرایان و نوگرایان را به وجود آورد. و پیامد آن بروز تشکل‌ها و سازمانها و انجمن‌هایی معرف هر کدام از آن دو نظیر مجاهدان اسلام، فدائیان اسلام و نهضت خدایپرستان سوسیالیست، انجمن اسلامی مهندسی و شخصیت‌های برجسته و فعال، در درون هر دو جریان گردید.

رشد و توسعه جنبش‌های احیای دینی، و جریان اسلامی روشنفکران و حضور فعال این جریان در مبارزات ملی، تأسیس و تشکیل یک سازمان گسترده سیاسی - اسلامی را اجتناب‌ناپذیر ساخته بود. نهضت آزادی معرف جریان اسلامی روشنفکران - یا حداقل یکی از معرف‌های عمده‌ی این جریان می‌باشد.

اما جریان اسلامی روشنفکران از شهریور ۱۳۲۰ به بعد خود یک سیر تحول داشته است و سابقه آن را به چند دوره مشخص تقسیم می‌کنند. دوره اول از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. در این دوره با وجود اینکه گروه‌ها و شخصیت‌های برجسته‌ای در جنبش ملی و اسلامی حضور فعال داشتند، اما نقش عمده و اصلی را پیدا نکردند. شاید بتوان علت را در جوان بودن جریان روشنفکری اسلامی دانست. و اینکه سئوالات بسیاری در ذهن جوانان مطرح بود که این جریان باید ابتدائاً به آنها پاسخ می‌داد. شاید به همین دلیل بود که قسمت عمده فعالیت‌های این جریان در این دوره در قلمرو تبیین اندیشه‌های دینی و پاسخ به سئوالات آن زمان بوده است.

هم جنبش ملی و هم جنبش مارکسیستی هرکدام در یک قلمرو و به صورت خاص بر دو جریان

اسلامی، سنت‌گرایان و نوگرایان اثرات عمیقی بر جای گذاشت.

باید دانست که هر دو جریان اسلامی در مراحل اولیه، در واکنش به تبلیغات اندیشه‌های ضد دینی شکل گرفتند. جنبش مارکسیستی با طرح موضوعات فلسفی - اعتقادی، اقتصادی و نظایر آن، به طور کاملاً محسوسی جریان اسلامی نوگرایان را به واکنش فرهنگی و پاسخگویی و در نهایت شکل‌دهی نظام‌های فکری و ادار نمود. جنبش ملی، جریان اسلامی نوگرا را، به تدریج سیاسی کرد. در سالهای حکومت ملی دکتر مصدق، این «سیاسی شدن» ابعاد بیشتری پیدا کرد.

دوره دوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تأسیس نهضت مقاومت ملی است.

نهضت مقاومت ملی، بلافاصله بعد از کودتا در شهریورماه همان سال به طور مخفی شکل گرفت، و ستون فقرات آن احزاب سیاسی (ایران - ملت ایران - مردم ایران - نیروی سوم) و عناصر ملی و اسلامی منفرد بودند. به تدریج احزاب سیاسی، به دلایل گونه‌گون، از نهضت مقاومت کناره‌گیری کردند، یا با دستگیری و تبعید سران و فعالین آنها، عملاً از مبارزه برکنار ماندند و بار سنگین مقاومت و مبارزه به دوش منفردین، که عمدتاً روحانیت وفادار به جنبش ملی و مصدق و روشنفکران مسلمان بودند، افتاد. این امر سبب شد نهضت مقاومت ملی، که ادامه دهنده راه مصدق و جبهه ملی بود، ویژگی جدیدی پیدا کند و دو بعدی یعنی ملی - اسلامی بشود.

دو بعدی شدن مبارزات دینی یعنی ملی و اسلامی شدن، همان پدیده اجتناب‌ناپذیری است که قبلاً هم به آن اشاره شد. یک اصل خدشه‌ناپذیر در مبارزات ملی در هر کشوری، همکنشی آن با فرهنگ ملی است. یک مبارزه ملی، بدون صبغه و رنگ فرهنگ ملی رشد نخواهد کرد.

در یک مبارزه ملی، همکنشی سالم و مولد میان اجرای سالم و مثبت فرهنگ ملی یک امر مختوم است. سخن از دینی شدن عناصر ملی نیست. بلکه بحث درباره این است که اگر مبارزین ملی نتوانند یک رابطه سالم و صادقانه با اجرای فرهنگ ملی - که در کشور ما اسلامی است - برقرار کنند، جنبش ملی در فرآیند رو به رشد خود یا راکد و عقیم می‌گردد و یا با پذیرش تغییرات، بالندگی خود را حفظ می‌کند. سالم و صادقانه بودن همکنشی حرکت ملی با فرهنگ ملی - اسلامی، خود به معنای پرهیز از ریاکاری و سوءاستفاده از دین و نگرش ابزارگونه به دین در مقاصد سیاسی می‌باشد و البته ایجاد یک رابطه سالم و صادقانه با فرهنگ دینی مردم، خود چالشی برای جنبش‌های ملی محسوب می‌گردد.

هنگامی که در سالهای ۱۳۲۰ به بعد، فضای باز سیاسی امکان تجدید حیات جنبش ملی را فراهم ساخت. جبهه ملی دوم تأسیس گردید، چالش یاد شده در بالا، به شدت خود را نشان داد. اما رهبران جنبش نتوانستند پاسخ مناسبی برای این چالش پیدا کنند و در نتیجه جنبش، از این جهت نیز، دچار بحران شد.

در دوران جبهه‌ی ملی اول، جریان اسلامی روشنفکران، گسترش سیاسی اجتماعی چندانی نداشت. بنابراین نادیده گرفتن آن امکان‌پذیر بود. اما رشد کمی و کیفی این جریان و نقش تعیین‌کننده آن در نهضت مقاومت ملی، و حضور فعال آن در مقطع تأسیس جبهه ملی دوم، آن چنان بود که جنبش ملی لاجرم می‌بایستی جایگاه ویژه آن را درک کند و به آن ارزش و بهای لازم را بدهد. فقدان چنین نگرشی از یک طرف و ضرورت‌های عینی در درون جنبش از طرف دیگر، سبب شد تا تأسیس یک سازمان مستقل ملی، سیاسی - اسلامی اجتناب‌ناپذیر گردد. این خواست یک فرد یا گروه نبود. این یک ضرورت بود. مؤسسين نهضت آزادی و در رأس آنها، زنده‌یاد مهندس بازرگان، با شم قوی و ابتکار و جسارت و توکل خود به این ضرورت پاسخ دادند، و تأسیس نهضت را اعلام کردند. این امر بلافاصله مورد استقبال گسترده از جانب

بسیاری از نیروها قرار گرفت و متعاقباً توسط نیروهای امنیتی و سرکوبگر شاه مورد حملات شدید قرار گرفت. سران و فعالین نهضت بازداشت و در دادگاههای نظامی محاکمه و به زندانهای طویل‌المدت محکوم شدند.

جریان این محاکمات، حمایت گسترده گروهها، احزاب و طیف وسیع نیروهای ملی و مذهبی از نهضت آزادی، نشان‌دهنده موقعیت و اعتبار نهضت آزادی، به عنوان یک حزب سیاسی ملی - اسلامی در آن زمان می‌باشد.

این حمایت گسترده، تنها منحصر به نیروهای داخل کشور نبود. در خارج از کشور نیز، نیروهای مبارز، کنفدراسیون دانشجویان ایرانی، سازمانها و نهادهای سیاسی، صنفی، بین‌المللی (غیرایرانی)، استادان دانشگاهها و... به طور وسیعی در حمایت از نهضت آزادی و اعتراض به محاکمه سران نهضت قیام کردند.

فعالیت نهضت آزادی علیرغم محاکمه سران و فعالین آن تا سال ۱۳۴۳ ادامه یافت. و در جریان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، نهضت آزادی نیز نقش موثری ایفا کرد.

بعد از سرکوب قیام ۱۵ خرداد، تحولی تازه در استراتژی مبارزه علیه شاه به وجود آمد. زنده‌یاد مهندس بازرگان در مدافعات خود در دادگاه گفته بود که ما آخرین گروهی هستیم که می‌خواهیم در چهارچوب قانون اساسی مبارزه کنیم، بعد از این سر و کار شما با کسانی خواهد بود که با اسلحه با شما سخن خواهند گفت.

این پیش‌بینی به وقوع پیوست و از آن پس استراتژی مبارزه سیاسی، از جانب تقریباً تمامی نیروهای مبارز، از گروههای چپ، مستقل تا ملی و اسلامی به کنار گذاشته شد و استراتژی مبارزه مسلحانه در دستور کار همه نیروها، در داخل و خارج کشور قرار گرفت. و به تناسب آن سازمانهای سیاسی - نظامی شکل گرفتند. نیروهای جوان و کادر اصلی نهضت آزادی نیز، در داخل و خارج از کشور این استراتژی را انتخاب کردند. طبیعی بود که از آن پس، به نام نهضت آزادی فعالیتی صورت نگیرد. از اوایل سال ۱۳۵۴، هنگامی که مرکزیت سازمان مجاهدین اولیه، اعلام تغییر مواضع ایدئولوژیک از اسلام به مارکسیسم را کرد، مجموعه جنبش اسلامی - ملی دچار یک بحران و سردرگمی گسترده درونی شد که تا اواخر سال ۵۶ ادامه یافت.

در طی سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ نهضت آزادی در داخل کشور نیز از این بحران و سردرگمی مصون و برکنار نبود. از اواخر سال ۱۳۵۶، مجدداً رهبران و فعالین نهضت آزادی، وارد صحنه جدی مبارزه سیاسی می‌شوند که تا آستانه انقلاب ادامه می‌یابد. در این دوران، نهضت آزادی علیرغم اوج‌گیری انقلاب و حضور تعیین کننده رهبران آن در انقلاب و مهندسی آن، نتوانست به سازماندهی مناسب نیروهای طرفدار خود بپردازد و با پیروزی انقلاب و مسئولیتی که بر عهده دولت موقت و یاران نزدیک مهندس بازرگان و رهبران اصلی و برجسته نهضت قرار داده بود، سازماندهی مناسب نیروهای نهضت آزادی همچنان به تعویق افتاد.

دور جدید فعالیت‌های نهضت آزادی در واقع بعد از استعفای دولت موقت، و فراغتی که حاصل شده بود، از تیرماه ۱۳۵۹ و با تشکیل دومین کنگره نهضت آزادی آغاز می‌گردد.

در این دوره نهضت آزادی ایران، به عنوان یک سازمان شاهد و واسط، به آرمانهای انقلاب، آزادی و استقلال و جمهوری اسلامی وفادار باقی می‌ماند و خط‌مشی خود را به عنوان یک ناصح صادق، عمدتاً

جلوگیری از انحرافات و تلاش برای تحقق همه جانبه‌ی آرمان‌های انقلاب قرار می‌دهد. در مسائل و موضوعات مختلف ملی نظیر جنگ، گروگانگیری، تخلفات از موازین قانونی،... تا انحصار و اختناق، نهضت آزادی نه مرعوب شد و نه مجذوب. بلکه با توکل به خدای سبحان، با شجاعت و رعایت اعتدال، با رعایت تقوا و صداقت سیاسی و اخلاقی بر اجرای قانون اساسی، به عنوان یک میثاق ملی و قرارداد اجتماعی، به مصداق دستورالعمل قرآن به مؤمنین در وفای به عهد و پیمان، تأکید مستمر و دائم می‌کند.

اصرار و پافشاری نهضت آزادی بر مواضع درستی که اتخاذ کرده بود، سبب شد که از سال ۱۳۶۰ تا کنون مرتباً تحت انواع فشارها قرار گیرد. در طی ۱۶ سالی که از انقلاب می‌گذرد. نهضت آزادی از همه طرف، چپ و راست، داخلی و خارجی مورد حمله و هجوم بوده است. شاید هیچ گروه و حزبی به مظلومیت نهضت آزادی نبوده باشد. علیرغم همهٔ این فشارها و حملات، نهضت آزادی هرگز از جادهٔ اعتدال و تقوا خارج نشد و هیچگاه با مخالفین به همان زبان و شیوهٔ رایجشان برخورد نکرد.

درگذشت شادروان مهندس بازرگان فرصت مناسبی برای جامعه‌ی ملت‌هپ و رنجور کنونی ما بود تا یکبار دیگر اتحاد خود را با خط فکری و سیاسی او و جریانی که ایشان پایه‌گذار و رهبر آن بود، نشان بدهد. استقبال تمام قشرها و طبقات و گروه‌های فکری و سیاسی، اقتصادی... از دانشگاهی تا روحانی، از چپ سنتی و مستقل تا ملی، و مشارکت در مراسم باشکوه تشییع جنازه و تدفین و یادبود آن مرحوم در تهران و شهرستانها، نشان داد که مردم ایران، علیرغم بیش از دو سال مرگ‌خواهی و لجن‌پراکنی، خدمتگزاران صدیق خود را می‌شناسند و ارج می‌نهند.

این واکنش بی‌سابقهٔ مردم در داخل کشور و ابراز همدردی سازمانهای سیاسی - اسلامی ایرانی و غیرایرانی خارج کشور به هنگام درگذشت مهندس بازرگان، خاطرهٔ حمایت گستردهٔ تمامی قشرهای ملت و احزاب سیاسی در داخل و خارج کشور در زمان محاکمهٔ سران و فعالین نهضت آزادی را زنده کرد و بار دیگر اعتبار سیاسی نهضت آزادی و مؤسسين و رهبران آن را نشان داد و این در واقع همان مصداق آیهٔ کریمهٔ والعافیة للمتقین می‌باشد.

و اینک ما اعضا و یاران نهضت آزادی مراسم بزرگداشت سی و پنجمین سالگرد تأسیس نهضت آزادی را در فقدان زنده‌یاد مهندس بازرگان برگزار می‌کنیم. در پیشگاه خداوند بزرگ با گرامیداشت یاد او و خدمات او و سایر بزرگان از دست رفته، یکبار دیگر عهد و پیمان می‌بندیم که راه آن عزیزان و خط مشی‌های کلی و اساسی آنان را همچنان ادامه دهیم.

در ۲۵ سال پیش، در چنین روزی، در اعلامیهٔ تأسیس نهضت آزادی چنین آمده است:

«... مردم نگران امنیت هستند، خسته از استبداد و اختناق هشت ساله، رنجور از سختی معیشت و شرمسار از ننگ دزدی و خیانت هیئت حاکمه‌ای که متأسفانه نام ایران و ایرانی را آلوده ساخته است. خواهان سرنوشت بهتر، رهایی از ننگ و نکبت، استقرار یک حکومت ملی سازندهٔ ایران پاک و آباد و آزاد است.

امر مسلم این است که:

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم.

به اقتضای شرایط حاضر

در این پیچ مهم تاریخ ایران

با استعانت از پروردگار جهان

با امید به مردانگی و همکاری هموطنان،

تأسیس (نهضت آزادی ایران) اعلام می‌گردد.»

و ما اکنون، در این روز، با توجه به آنچه در کشورمان می‌گذرد... اعلام می‌نماییم و پیمان می‌بندیم که:

«نهضت ادامه دارد.»

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته



## گفتار آقای دکتر یدالله سبحانی بر مزار مرحوم مهندس بازرگان

### بسم الله الرحمن الرحيم

خدای متعال را شکر می‌کنیم که امروز موفق شده‌ایم، به مناسبت سی و چهارمین سال تأسیس نهضت آزادی، بر سر مزار دوست و همگام و رهبر ما، مرحوم میروار مهندس مهدی بازرگان که از بنیانگذاران اصلی نهضت بود، حاضر شویم و با خواندن فاتحه و طلب مغفرت برای او، یادی به اجمال و اختصار، از گذشته نهضت آزادی و فعالیتی که با آن مرحوم داشته‌ایم، بنماییم.

نهضت آزادی در حیات سیاسی سی و چهار ساله‌اش، تا حد توان و امکان، فعالیت مستمر در خدمت به وطن و دین داشته است.

در همین زمان از تاریخ بود که تحول بزرگ در شکل حکومت ایران صورت گرفت. و آن تغییر رژیم، ظاهراً مشروطه سلطنتی، به جمهوری بود که در سال ۱۳۵۷ انجام شد و نهضت آزادی نقش مؤثری در این تحول داشت.

مبارزات پی‌گیر نهضت آزادی که با همکاری بعضی از دسته‌های سیاسی وطن‌خواه، در مقابل استبداد و مظالم سلطنت پهلوی و نبود آزادی و رواج مفاسد اجتماعی صورت می‌گرفت و با قیام آیت‌الله خمینی تکمیل شد، منتهی به انقلاب ۲۲ بهمن گردید که در نتیجه آن رژیم سلطنتی ایران ساقط شد و حکومت جمهوری برقرار گردید.

در مبارزات پی‌گیر نهضت آزادی قبل از انقلاب، سران نهضت، درگیری‌های مشقت‌آمیز با دولت و مأمورین حکومت داشتند و زندان‌های طویل‌مدتی را تحمل نمودند و زندانی شدن آنان بیشتر به حکم دادگاه‌های نظامی بود که مدت‌ها گرفتار محاکمه در چنین بیدادگاهها بودند.

از خدمات نهضت آزادی در برقراری نظام جمهوری، قبول زمامداری و اداره مملکت، به ریاست مرحوم مهندس بازرگان بود. زیرا در انقلاب بهمن ۱۳۵۷، گسیختگی اوضاع اداری کشور، آشوبهای اجتماعی، متلاشی شدن نیروهای نظامی و تحریک و خرابکاری نیروهای چپ‌گرا، به حدی بود که مملکت را در ورطه سقوط قرار دارد. و اگر دولت خیرخواه مهندس بازرگان سر کار نمی‌آمد، مسلماً کشور به سرنوشت شوم و بدفرجامی گرفتار می‌شد.

در چنین وضع بود که مهندس بازرگان، با مشورت یاران نزدیکش، قبول مسئولیت نمود و اولین دولت جمهوری اسلامی ایران به نام «دولت موقت» را تشکیل داد. دولت او تا نه ماه سر کار بود، که نظر به دخالت‌های به ناحق دیگران، در آبان‌ماه ۱۳۵۸ استعفا نمود.

مهندس بازرگان در نخست‌وزیری‌اش، در گفتار تلویزیونی هفتگی و یا دوهفتگی و یا ماهانه، با مردم درد دلها می‌کرد و با محبت، کار و کوشش و همت و صداقت را به آنان توصیه می‌نمود. و بطور بی‌سابقه‌ای در مردم امید و خوشبینی ایجاد کرده بود.

مشکل بزرگ برای دولت مهندس بازرگان یکی تازه‌کاران کم‌تجربه و کم‌اطلاع و پرتوقع بود، که هر یک مرکز قدرتی برای خود ساخته و کم‌اعتنا به سامان اداری و رسمی مملکت بودند و دیگر سابقه‌دارانی که به

روحانیت و حکومت روحانی بدبین بودند.

با تمام این احوال، اخلاص در عمل و روح خدمتگزاری که در ارکان دولت بازرگان جریان داشت، موجب شد امور اداری و سیاسی و اجتماعی کشور به زودی به وضع عادی درآید. قانون اساسی جمهوری تهیه و مدون شد، بسیاری از خدمات مفید ملی دیگر انجام گردید، علاقه و بینش عمومی نسبت به مسایل اجتماعی بالا رفت، آزادی بیان در اظهار نظرهای عمومی رونق گرفت و ...

مهندس بازرگان و نهضت آزادی، پس از استعفای دولت موقت، هیچگاه از اظهارنظرهای خیر اجتماعی و تلاش در ارتقای بینش اجتماعی بر کنار نماندند و مهندس بازرگان، در این موقع، بیشتر به نشر آثار اجتماعی و تدبر در قرآن در تکمیل «سیر تحول قرآن» پرداخت، تدبری که مرحوم دکتر شریعتی نتیجه و دریافت از آن را نظیر اکتشافات گالیله و نیوتن در علوم مادی تلقی نمود.

در هر حال خورشید وجود مهندس بازرگان در اول بهمن ۱۳۷۳ در سفری که برای جراحی قلب می‌رفت در سوئیس غروب نمود و مردم، یاران او و عالم اسلام از ادامه نعمت وجودش بی‌بهره ماندند.

**رحمه الله علیه و علی اولاده و اهل بیده**

بسمه تعالی

## نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

### نهضت آزادی در فرآیند تحولات سیاسی

دکتر غلامعباس توسلی

بسم الله الرحمن الرحيم

ربنا اغفر لنا و لاخواننا الذين سبقونا بالايمان

و لاتجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا، ربنا انك

رئوف رحيم.

ما امروز به مناسبت آغاز سی و پنجمین سال تأسیس نهضت آزادی ایران بر سر مزار بنیانگذار و مؤسس نهضت گرد آمده‌ایم تا ضمن قرائت فاتحه و گرمی‌داشت یاد آن مرحوم پیوند خود را در راه تحقق اهداف خدایی، انسانی و متعالی او مستحکم سازیم و در این نخستین سال درگذشت آن مرحوم راهی را که او ترسیم کرد و مسیری را که طی کرد یکبار دیگر از نظر بگذرانیم و با طلب مغفرت و اعتلای درجه برای او و سایر گذشتگان نهضت و همه پیشگامان نهضت اسلامی و شهدای راه حق، خویشتن را برای ادامه این راه بیش از پیش آماده کنیم.

در اینجا قبل از هر چیز لازم است از بنیانگذاران و اعضای برجسته نهضت که امروز در میان ما نیستند یاد کنیم و برای آنها آموزش بخواهیم. برای مرحومان آیت‌الله زنجانی، آیت‌الله طالقانی، مرحوم رحیم عطایی، دکتر علی شریعتی، دکتر چمران، مرحوم رادنیای و استاد شریعتی و مطهری و تمام درگذشتگان نهضت ملی و نهضت اسلامی. این عزیزان با فداکاری‌ها و نیت پاک و خدایی همراه با کسان دیگری که بحمدالله در قید حیاتند و از ارشادات و حضور آنها در میان خود فیض می‌بریم و استفاده می‌کنیم، با هدف خدایی و پای‌بندی به اصول خدشه‌ناپذیر اسلام و اعتصام دسته‌جمعی به ریسمان خدا نه تنها در جهت بالا بردن معارف اسلامی نسل جوان قدم‌های مؤثری برداشتند بلکه تلاش کردند که کشتی طوفان‌زده جامعه را که دچار استبداد سیاسی داخلی و استعمار خارجی و جهل و ناآگاهی بود از میان توفان حوادث به سوی ساحل نجات و فلاح هدایت کنند.

در طی ۵۰ سال گذشته حوادث و رخدادهای فراوانی به وقوع پیوست، بسیاری از کسان آمدند و رفتند، گروهها و دسته‌جات و احزاب متعدد و مختلف اسلامی شکل گرفت، دولتهای زیادی بر سر کار آمدند و متلاشی شدند، احزاب با ایدئولوژی‌های مختلف، رژیم‌های متعددی با عناوین گوناگون از استبدادی و مشروطه و جمهوری زمام امور مملکت را در اختیار گرفتند و هرکدام خدماتی کردند. اما راهی که مهندس بازرگان و یاران صدیقش در پیش گرفتند و طی کردند و شیوه حسنه‌ای که در راه دعوت به اسلام و راه حق انتخاب کردند. از ویژگی و ارزش خاصی برخوردار است و می‌توان گفت آنها به حکم آیه شریفه ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن جدال نیکو و حکمت و علم و ایمان و تقوا را سرلوحه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خود قرار داده‌اند و برای نهضت آزادی ایران، هدف هیچگاه

وسيله را توجيه نكرده است و روند حوادث و رویدادها بالاخره اصالت راه و صداقت كردار نهضت را به اثبات رسانده است.

طی سی و چهار سالی که از تأسیس نهضت می‌گذرد ما شاهد آن بوده‌ایم که پیشگامان و بنیانگذاران این حزب نه تنها سعی کرده‌اند مبانی حقیقی اسلام را تبلیغ و در راه تحقق آن تلاش کنند و آگاهی دینی را در میان مردم و خاصه نسل جوان دانشگاهی رواج دهند، بلکه با عمل سیاسی و اجتماعی و دفاع از نهضت ملی ایران و اقدام به تشکیل نهضت به عنوان سنگر دفاع از آزادی و حقوق انسانها و منافع ملی، در برابر کجروی‌ها و خودکامگی‌ها و زیان‌های ملی به شدت ایستادگی کنند.

نهضت آزادی ایران از همان ابتدا و با توجه به سوابق علمی و فرهنگی سران آن دارای سه جنبهٔ مختلف گشت و از همان جهت‌ها هم مورد توجه و علاقهٔ مردم قرار گرفت: یک جنبهٔ فرهنگی، یک جنبهٔ سیاسی و ملی و یک جنبهٔ الگوی عملی.

به لحاظ فرهنگی نهضت به دنبال شناخت، شناساندن و نشر اسلام راستین براساس آیات الهی و سنت نبوی بوده و همواره در راه خرافه‌زدایی و تصحیح انحرافات که در مذهب صورت گرفته حساسیت و دقت نشان داده است و موفق گردیده تا با تکیه بر عنایات الهی مجموعه‌ای از معارف قرآنی را با سبک و شیوهٔ نو اشاعه دهد که از نمونه‌های بارز این کوشش‌ها، می‌توان مجموعه کتابهای «سیر تحول قرآن» و «بازگشت به قرآن» اثر مرحوم مهندس بازرگان را نام برد.

به لحاظ سیاسی و ملی، نهضت با ایدئولوژی اسلامی و تأیید نهضت ملی، دفاع از استقلال و آزادی‌های اساسی و حقوق انسانها، پرچمدار آزادی و مبارزهٔ با ظلم و سلطهٔ نفوذ خارجی بوده است.

به لحاظ عملی نیز، نهضت با خط‌مشی‌های: پذیرش قانون اساسی به طور همه‌جانبه، مبارزهٔ علنی، بیان حقایق در شرایط مختلف و فدا نکردن حقیقت به خاطر مصلحت‌بینی در جریان‌ات سی سالهٔ اخیر، الگویی عملی به منظور انجام مبارزه‌ای پی‌گیر و مستمر در داخل کشور را ارائه داده است. روشی که به تدریج اصالت و اهمیت آن به اثبات رسیده و مورد توجه همگان قرار گرفته است.

برای نهضت آزادی ایران حفظ و رعایت ارزشهای اصیل اسلامی و اتکای به فرهنگ خودکفایی و بهره‌برداری همه‌جانبه از دست‌آوردهای علمی و فرهنگ بشری یک اصل خدشه‌ناپذیر بوده و هست. آزادی و مسئولیت انسان‌ها در برابر خداوند یکتا و در قبال مردم از اصول بدیهی و انکارناپذیر نهضت بوده است. نهضت آزادی ایران در طی سی و چهار سال عمر خود علیرغم فشارها و مضایقی که حکومت‌های وقت (قبل و بعد از انقلاب) غالباً بر آن تحمیل کرده‌اند، همواره تلاش کرده است که مواضع اصیل خود را حفظ کند و از آرمانها و آمال اسلامی خود یک قدم عقب‌نشینی نکند. سران و اعضای نهضت، صرفنظر از موقعیت‌ها و شرایط - حتی در فضای داخل زندان - این ارزشها را مقدس شمرده و تلاش در حفظ آن کرده‌اند و امر به معروف و نهی از منکر و دفاع از آزادی‌های مصرح در قانون اساسی هرگز فراموش نشده است.

حوادث متعددی در سالیان اخیر و خصوصاً کیفیت برگزاری مراسم گرامیداشت زنده‌یاد مرحوم مهندس بازرگان دبیرکل و رئیس شورای نهضت آزادی ایران نشان داده است که مردم، خاصه روشنفکران و جناحهای مختلف حتی جناحهای درون حاکمیت پیام ما را به خوبی دریافت و درک کرده‌اند. حتی معاندینی که می‌خواهند تجاهل به حقایق ملموس کنند، امروزه این حقایق را پذیرفته‌اند و استواری جایگاه شادروان مهندس بازرگان و شأن نهضت آزادی در تاریخ معاصر و وضع حاضر را قبول کرده‌اند.

نهضت آزادی ایران به حق، خود را وارث جنبش نوگرایی اسلامی می‌داند و راهی را که سیدجمال‌الدین اسدآبادی و اقبال لاهوری و عبده و امیرکبیر و دکتر مصدق گشوده‌اند، با توجه به امکانات و شرایط زمان و مکان همچنان ادامه می‌دهد.

نهضت آزادی ایران از همان روز تأسیس خود با شعار: «ما مسلمانیم، ایرانی و مصدقی هستیم» راه و استراتژی خود را در درازمدت انتخاب کرد. راهی که به اعتقاد ما اهمیت و ارزش خود را کماکان حفظ کرده است.

یک حزب اصیل در وطن ما، باید تنها به نیروی لایزال ملت تکیه کند و به ایران دل ببندد و از گرایش به چپ و راست و قدرتهای بین‌المللی و وارداتی بپرهیزد. مذهب و ایمان و اعتقاد بر این حقیقت را که خدایی وجود دارد و اکثریت قریب به اتفاق جامعه بدان اعتراف دارند با تمام وجود بپذیرند. و بالاخره دفاع از نام دکتر مصدق را - که امروز مصادف با تولد او هم هست - به عنوان پیشگام و رهبر نهضت ضداستعماری و ضداستبدادی در مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، که مبارزه یک‌صدساله ملت در برابر استعمار و نظام منحط شاهنشاهی سابق، در سایه آن به ثمر نشست را همچون چراغ و علامتی روشن فرا راه خود قرار دهد.

هرچند وضعیت و شرایط کنونی جهان و ایران چه به لحاظ سیاسی و چه در زمینه‌های اقتصادی و یا فرهنگی، به نحوی است که ما را موظف می‌سازد علیرغم مشکلات و دشواری‌های فراوان و فشارها و مضایق بر روی پای خود بایستیم و در برابر استبداد و بی‌عدالتی و پایمال شدن حقوق و آزادی‌های مردم هشیار و باقی بمانیم و به تلاش و کوشش خود در راه استیفای حقوق حقه مردم و آزادی‌های اساسی مصرح در قانون اساسی ادامه دهیم و نقش تاریخی خود را به لحاظ فکری، فرهنگی و سیاسی تا پایان راه به درستی ایفا کنیم و امیدوار باشیم که روزی ملت و مملکت، آزادی را باز یابد و در راه سالم و صحیح گام بردارد.

به عون الله